

کارآفرینی از طریق توسعه تعاونی های اشتغالزای دانشجویی و تعاون دانشگاهی

دکتر علیرضا مومنی : استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی
ابراهیم جعفری : کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی

چکیده :

مراکز آموزش عالی به دلیل داشتن امکانات آموزشی و پژوهشی و نیروهای کارشناس و کاردان می توانند به معضل بیکاری جوامع به خصوص در بین قشر تحصیلکرده کمک شایانی نموده و در بخش های گوناگون بازار فعالیت کنند. حرکت دانشگاهها به سمت کارآفرینی مستلزم داشتن شرایط خاصی از قبیل گسترش فرهنگ کارآفرینی و تعاون، حمایت های دولت با روشهای مختلف از طرحهای پژوهشی-کاربردی، ایجاد مراکز رشد و... می باشد. کشورما نیز با توجه به جایگاه تعاون در قانون اساسی ، سیاست های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری ، لایحه اصل ۴۴ و مزایای ویژه ای که در اختیار شرکتهای تعاونی قرار می گیرد از مزایای ویژه ای در بخش تعاون برای علاقه مندان بهره مند است. در این تحقیق طرحی برای ایجاد واحدهای تعاونی دانشگاهی برای استفاده از این مزایا و با هدف کمک به دانشجویان جهت کارآفرینی ، شناسایی علایق و تمایلات واقعی آنان در زمینه فعالیت مورد علاقه آنها و کاربرد کردن تحصیلات تکمیلی و... ارائه شده است.

واژگان کلیدی: کارآفرینی ، تعاون ، اشتغال زایی ، دانشگاه کارآفرین

مقدمه :

واژه‌ی تعاون^۱ را نخستین بار رابرت اوون انگلیسی در مقابل واژه رقابت^۲ به کار برد. سپس صاحب نظران و مصلحان اجتماعی این کلمه را با مفاهیم و کارکردهای متفاوتی به کار بستند، تا جایی که مقوله‌ی نهضت تعاونی^۳ و حتی تعاون گرایبی در نظریه های اقتصادی - اجتماعی، جایگاه ویژه ای یافت . اتحادیه‌ی بین المللی تعاون درسی و یکمین کنگره خود که در سال ۱۹۹۵ در منچستر برگزار گردید، تعاونی را این گونه تعریف کرده است: «تعاونی، اجتماع مستقل افرادی است که به منظور تأمین نیازها و اهداف مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود از طریق اداره و نظارت دموکراتیک مؤسسه ای با مالکیت جمعی، با همدیگر به نحو اختیاری توافق نموده اند.» به طور کلی تاریخچه‌ی تعاون در جهان را از نظر اقتصادی، به دو دوره تقسیم کرد : دوره اول از آغاز زندگی اجتماعی انسان شروع می شود و از قرن پانزدهم میلادی به تدریج تحول می پذیرد تا این که به شکل کنونی درمی آید. دوره دوم با انقلاب صنعتی و انقلاب فرانسه ، قرن هیجدهم میلادی شروع می شود که دارای تعریفی مخصوص به دوران خود است ، بنابراین دوره اول را عصر تعاون اجتماعی و دوره دوم را اصل تعاون صنعتی یا علمی می نامند. در مورد تاریخچه‌ی تعاون در ایران، آغاز تعاون رسمی در ایران را می توان به تصویب قانون تجارت ایران در سال ۱۳۰۳ خورشیدی دانست که موادی از این قانون به بحث در مورد تعاونی های تولید و مصرف پرداخته بود. اما از لحاظ تشکیل و ثبت فعالیت تعاونی های رسمی می توان سال ۱۳۱۴ را آغاز فعالیت تعاونی ها در ایران دانست : زیرا در این سال توسط دولت اقدام به تشکیل نخستین شرکت تعاونی روستایی در منطقه داور آباد گرمسار گردید. و اما اقتصاد دانان نخستین کسانی بودند که در نظریه های اقتصادی خود به تشریح کارآفرین و کارآفرینی^۴ پرداختند. ژوزف شومپیتر^۴ کارآفرین را نیروی محرکه اصلی در توسعه اقتصادی می داند و می گوید: نقش کارآفرین، نوآوری است . از دیدگاه

^۱ - Cooperation

^۲ - Competition

^۳ - Movement Cooperation

^۴ -Entrepreneurship

وی ارائه کالایی جدید، ارائه روشی جدید در فرآیند تولید، گشایش بازاری تازه، یافتن منابع جدید و ایجاد هرگونه تشکیلات جدید در صنعت و... از فعالیت های کارآفرینان است. کرزرن نیز که از استادان اقتصاد دانشگاه نیویورک می باشد کارآفرینی را ایجاد سازگاری و هماهنگی متقابل بیشتر در عملیات بازارها تعریف می کند. پیتز دراکر کارآفرینی را به معنای جستجوی دائمی برای تغییر، واکنش در برابر آن و بهره برداری از آن به عنوان یک فرصت بیان می کند. در کارآفرینی از یک سو فرد قرار دارد و از سوی دیگر محیط وی مطرح می شود که بیان هر دو ضروری می نماید. یکی از این عوامل محیطی علاوه بر خود فرد، محیط آموزشی بویژه محیط دانشگاه می باشد. مراکز آموزش عالی به دلیل داشتن امکانات آموزشی و پژوهشی پیشرفته و نیروهای کارشناس و کاردان می توانند در بخش های گوناگون بازار فعالیت نمایند؛ دستگاههای گوناگون تولید کنند و با ارائه طرحهای تولید سودآور به سازمانهای دولتی و شرکتهای خصوصی، زمینه ایجاد واحدهای مختلف تولیدی را فراهم آورند و از این راه کارآفرین باشند.

امروزه تبدیل شدن به یک دانشگاه کارآفرین برای بسیاری از مدیران و موسسات آموزش عالی به چشم اندازی مدرن، جذاب و قابل قبول تبدیل شده است. اما صحبت درباره دانشگاه کارآفرین ضرورتا دارای مفهوم یکسانی برای همه نیست. از یک طرف توسعه یک مرکز آموزش عالی در راستای کارآفرینی سیاستی فعالانه است. از طرف دیگر کارآفرینی پاسخی است به تغییرات درونی و بیرونی یک دانشگاه که بدون انجام فعالیت های جدید توسط دانشگاه و مجموعه فعال در آن نمی توان آنها را به صورت موفقیت آمیزی مدیریت کرد و این بدین معنی است که افراد دانشگاهی بایستی خود را بانگرش های شرکت های بخش خصوصی که اغلب برای جامعه علمی ناشناخته می باشند مطابقت دهند. برای اینکه همانند یک شرکت خصوصی بتوان فعالیتهای کارآفرینانه در بازار انجام داد بایستی اقداماتی به شرح زیر به عنوان نمونه انجام داد:

1. ارائه آموزش و تحقیق در یک بازار رقابتی
 2. جستجوی فرصتهای تجاری بیشتر در مقایسه با ارزشهای دانشگاهی
 3. فروش خدماتی مثل مشاوره و آموزش
 4. کسب منابع مالی از محل دارایی های معنوی از قبیل اختراعات، ژورنالها، دوره های آموزشی و...
- یک دانشگاه کارآفرین¹ با استفاده از نام تجاری خود استفاده از زمینه های فعالیت جدید می تواند سهم بازار خود را در مورد فعالیت های کلیدی خود یعنی تدریس و تحقیق گسترش دهد. عمده ترین چالش افراد دانشگاهی فاصله گرفتن از مفروضات و شرایط صرفا دانشگاهی می باشد. انجام فعالیت هایی از قبیل ارائه برنامه های مطالعاتی که منجر به ایجاد فارغ التحصیلان بیشتری در کارآفرینی می شوند، هدایت تحقیقات علمی به سمت انعکاس مشکلات شرکت ها و جامعه، ایجاد یک ساختار داخلی که بیشتر مدیریت محور می باشند و در عین حال از حالت دانشگاهی کمتری برخوردار باشد، پاسخگویی بیشتر به دانشجویان، توجه بیشتر به محصولات به جای فرایندها، ایجاد شبکه های خرجی برای سهامداران بومی و منطقه ای و تلاش در راستای همکاری و شراکت بیشتر با صنعت و دولت، رویکرد دیگری دوم که تا حدود زیادی مشابه به رویکرد اول می باشد عبارتست از نگرش به دانشگاه کارآفرین به عنوان مجموعه ای از ارزشها، به عبارت دیگر نوآوری در تمام سطوح، پی گیری هر دومفهوم کارایی و اثربخشی، استفاده از روشهای جامع تضمین کیفیت و برخورداری از یک فرایند سازمان یافته تصمیم گیری و رهبری قوی از مفاهیم اساسی مورد تاکید در این رویکرد می باشند. اما درباره تدریس و تحقیق در این رویکرد همچنان بر استقلال این موارد از دنیای بیرون و تاکید بر مستقل بودن دانشگاهها توجه می شود. امروزه از کار آفرینی برای برانگیختن جوانان، کمک به کسب و کارهای کوچک، مبارزه با بیکاری، نشان دادن نیاز به رشد و چالش با اقتصاد ملی استفاده می شود. (برینکمن ۲۰۰۵)^۲
- دانشگاهها در کشورهای توسعه یافته بطور فزاینده ای کارآفرین شده اند (موری ۲۰۰۴؛ سیگل ۲۰۰۶)^۳ در ایالات متحده چندین عامل مهم حرکت از سیستمهای بسته نوآوری به سمت سیستمهای باز نوآوری را تسهیل کرده

¹ -Entrepreneurial University

² -Brinckmann

³ - Mowery et al., 2004; Siegel. ۲۰۰۶

اند. (چسبرو ۲۰۰۳)^۱ این عاملها شامل در جمع بودن، افزایش سرمایه گذاری های مخاطره آمیز^۲، تصویب قانون "بای دال"^۳ (ایجاد انگیزه در دانشگاهها تا پیشرفت های حاصله از بودجه فدرال به اسم خود ثبت کنند) افزایش سرمایه گذاری های مشترک و در نتیجه یویایی علوم و مهندسی و پیشرفت های فنی مهم در زمینه محاسبه (میکرو پروسورها)^۴ بیو تکنولوژی (مهندسی ژنتیک) و اخیرا نانو تکنولوژی.

بنابراین از اوایل دهه ۱۹۸۰ دانشگاههای ایالت متحده فعالیت های کار آفرینانه خود را در طول بسیاری از ابعاد گسترش دادند. مثل حق انحصاری و دادن مجوز، ایجاد مراکز رشد، پارک های علمی، سرمایه گذاری در شرکت های تازه تاسیس و. (موری؛ سیگل ۲۰۰۶) در اروپا نیز وضع به همین منوال است و می توان افزایش مداوم کارآفرینی دانشگاهی را مشاهده کرد. کمیسیون اروپا^۵ (بدنه اجرایی اتحادیه ی اروپا) چندین ابتکار جالب در جهت تلاش فعالانه برای بالا بردن سطح انتقال تکنولوژی از دانشگاه به صنعت را اجرا کرده است.

دانشگاههای اروپا، بویژه در آلمان، ایتالیا، سوئد و انگلیس دارای مراکز قدرتمند تکنولوژی هستند. با تمام این تفاسیر علی الخصوص به سبب سیستمهای قانونی متفاوت، از همتایان آمریکایی خود در کارایی انتقال تکنولوژی از دانشگاه به صنعت، عقب هستند. در کشور ما نیز می توان با برپایی یک سازمان واحد، بنگاههای خرد و همچنین کسانی که با پذیرش ریسک می خواهند پیشتان باشند، کارآفرینی را تقویت کرد. آموزش می تواند تنها یکی از وظایف این سازمان باشد. از مراکز که می توان در ایران به عنوان نقاط کار آفرینی نام برد، مراکز آموزش عالی هستند طبق اظهارات دیده بان جهانی کارآفرینی در آمریکا نظام آموزش به گونه ای است که از هر ۶ نفر ۱ نفر کارآفرین می شود. در کره جنوبی از هر ۱۲ نفر و در برزیل از هر ۴ نفر، این نسبت در ایران به چه صورت است؟

دانشگاهها و موسسات آموزش عالی دولتی به علت داشتن امکانات پژوهشی و قدرت اجرایی بیشتر و نظامندتر که در مراکز غیر دولتی به ندرت یافت می شود توانایی و مسئولیت بیشتری در این زمینه دارا هستند؛ همچنین باید محدودیت های موجود برای مدیران دانشگاهها در زمینه برگزاری واحدهای درسی کارآفرینی و برنامه ریزی های بلند مدت برای کارهای اشتغال زا و تشویق مبتکرین و کارآفرینان دانشجو برداشته شود. نهایتا نقطه موفقیت و هدف آنجاست که فرهنگ کارآفرینی در سطوح مختلف جامعه خصوصا قشر تحصیل کرده جامعه نهادینه گردد. بانک جهانی در تازه ترین گزارش خود اعلام کرده است که سالانه سیصد هزار نفر که عمدتا شامل افراد تحصیل کرده و کارگران ماهر هستند، از ایران خارج می شوند و ایران از لحاظ فرار مغزها در رتبه پانزدهم جهان قرار دارد. (www.fekreno.org) کارآفرینی در دانشگاهها علاوه بر اثرات مثبت که می تواند در زمینه توسعه نوآوری، افزایش رفاه، رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال در اقتصاد محلی و فراتر از آن در اقتصاد کشور داشته باشد، باعث مقدس شدن امر آموزش و دانشگاه نیز گردد. در دو سطح می توان دانشگاهها را کارآفرین تر کرد:

سطح اول؛ در نبود تعارضات قوی بین حمایت از نقشهای سنتی و کار آفرینانه، دانش پژوهان استراتژی های متفاوتی را پیشنهاد کرده اند از قبیل ایجاد انگیزه قویتر برای درگیری اساتید در فعالیت های کارآفرینانه (هنرکسون و روزنبرگ ۲۰۰۱)^۶ یا اتخاذ مدیریت عدم تمرکز یا سبک تجاری شکل در فرایند های انتقال تکنولوژی (دل کمپو ۱۹۹۹، دبیکر و ولگر ۲۰۰۵)^۷ مانند اروپا که در کشورهای اروپایی قانون شفاف مالکیت حقوق معنوی در اولویت است؛ در صورتیکه در ژاپن تاسیس موسسه های واسطه (طرف ثالث) قبل از شروع زمینه کاری می تواند به جریان بیافتد (کولین و واکو ۲۰۰۰)^۸

1 - Chesbrough 2003

2 - Venture Capital

3 - Bayh-Dole Act

4 - Microprocessor

5 - European Commission

6 - Henrekson, Rosenberg. 2001

7 - Del Campo, Debackere and Veugelers

8 - Collins and Wakoh, 2000

سطح دوم؛ با توجه به تعارضات آشکاری که نقش دانشگاهی را در بر گرفته حرکت دانشگاه به سمت کارآفرینی نه تنها مستلزم تغییرات در زیر ساختهای سازمانی است بلکه انطباق فرهنگ دانشگاهی و رسالت سازمان را نیز می طلبد. (جاکاب ۲۰۰۳)^۱

بررسی های اولیه نشان دهنده آن است که متاسفانه کسانی که در مراکز آموزشی و دانشگاهی کشورمان، تحصیلات خود را به پایان می رسانند، اغلب به دلیل نداشتن تجربه کاری با مشکلات بسیاری مواجه اند. آنها اغلب توان مالی و اعتماد به نفس لازم برای شروع کسب و کار مناسب را ندارند. به همین دلیل بیشتر تمایل به پشت میز نشینی و استخدام در نهاد های رسمی (دولتی و غیر دولتی) داشته و کمتر به این می اندیشند که به عنوان یک کارآفرین عمل کرده و ایده ها و آموخته های خود را که اغلب همراه با ابتکارات و نوآوری های فردی و جمعی است در قالب یک حرفه یا شغل پیاده سازند. از سوی دیگر اشتغال در زمینه های مرتبط با رشته های تحصیلی مهمترین آرزوی هر دانش آموخته دانشگاهی است که متاسفانه به یک چالش خوف انگیز برای قشر تحصیل کرده کشورمان که نقش سلولهای بنیادی را در بدنه جامعه ایفا می کنند، بدل شده است.

بخش تعاون اقتصاد ایران در پی ایجاد اشتغال، کاهش حجم تصدی گری دولت، تحکیم و توسعه مشارکتهای مردمی در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و بهره مندی جامعه دانشگاهی از مزایای این بخش بوجود آمده است. توسعه بخش تعاون دارای مزایای بسیار زیادی است که از آن جمله می توان به توزیع عادلانه تر منابع و ثروت ها و از همه مهمتر نقش این ساختار مدیریتی در جذب و تبدیل ایده ها، ابتکارات و نوآوری ها به مشاغل پایدار اشاره نمود. بنابراین توسعه این بخش قطعاً پاسخی مناسب، برای مشکلات پیشروی دانشگاهیان جویای کار می تواند باشد. چرا که در این بخش افراد در کنار یکدیگر از تجارب و منابع هر چند اندک همدیگر برای پیشبرد اهداف فردی و جمعی بهره برده و با اعتماد به نفس بیشتری وارد عرصه کسب و کار می شوند. در عین حال به میزان سهمی که در فرایند کار ایفا می کنند از منافع آن نیز بهره مند می شوند. از سوی دیگر، دانش آموختگان دانشگاهی و حتی دست اندرکاران دانشگاهها در کشور از مزایای این بخش در کار آفرینی اطلاع چندانی ندارند و به همین دلیل استقبال چندانی نیز از ورود آن نمی نمایند. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته، برخی نهادهای متشکل از جوانان با ساختار مدیریت تعاونی، نقطه آغازین ورود افراد در بازار حرفه ای کسب و کار و هدایت آنها برای تشکیل تعاونی های موثر و موفق پایه گذاری نموده اند. بر این اساس پیشنهاد می شود تا واحدی زیر نظر مراکز کار آفرینی دانشگاهها و در صورت نداشتن مراکز کار آفرینی زیر نظر مستقیم روسای دانشگاهها به عنوان یک تشکل مشاوره ای و راهنمایی در قالب حمایت و هدایت و سمت دهی به تعاونی تاسیس شده تا ضمن اشاعه فرهنگ تعاون، از نزدیک تماس بین دانشجویان و رشته های مختلف رابا کسب و کار واقعی برقرار نماید. این دفاتر اعتماد به نفس لازم را در افراد برای تشکیل شرکت ها و موسسات تعاونی ایجاد کرده، آموزش های توانمند سازی را به آنها می دهد، بسته کار آموزی را در این زمینه فراهم آورده و در نهایت سازماندهی افراد متخصص را در قالب تعاونی ها دنبال می کند. نحوه فعالیت های این دفاتر به نحوی است که افراد دانش آموخته را پس از فراغت از تحصیل رها نکرده و همچنان هدایت و ارتقای سطح مدیریتی، علمی و فنی شرکتها و موسسات ایجاد شده را به عنوان یک هدف دنبال می نماید. در ایران تعاونی های دانشجویی به عنوان شاخه ای از تعاونی های مصرف و به منظور تامین نیازهای مصرفی دانشجویان از قبیل لوازم التحریر و... فعالیت های خود را در دانشگاهها آغاز نمودند. در سالهای بعد و با توجه به نیازهای متعدد دانشجویان تعاونی ها در دانشگاهها در موضوعات دیگر گسترش یافت و دانشجویان و دانشگاهیان در سایر فعالیت ها از جمله گرایشات مسکن، اعتبار، خدمات در زیر بخش های مختلف مانند آموزش، پژوهش، حمل و نقل، تولیدی در سطح محدود، بهداشتی و درمانی، مشاوره و خدمات فنی و مهندسی تشکیل و گسترش یافتند. در سال ۱۳۷۵ اساسنامه تیپ اینگونه تعاونی ها تهیه و به تصویب رسید و در سالهای بعد با تهیه و تصویب تفاهم نامه های همکاری با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاهها بویژه دانشگاه آزاد اسلامی و... تشکیل این تعاونی ها مورد عنایت قرار گرفت و دانشگاه آزاد اسلامی طبق تفاهم نامه مصمم به تشکیل حداقل یک

^۱ - Jacob et al., 2003

واحد تعاونی در تمامی واحدهای دانشگاهی خود گردید. انواع تعاونی های دانشجویی ؛ تعاونی های دانشجویی در کشور به دو دسته کلی شامل تعاونی های دانشجویی نوع اول و دوم تقسیم می شوند:

الف) تعاونی های دانشجویی نوع اول به تعاونی هایی اطلاق می شود که برای ارائه خدمات به دانشجویان ودانشگاه وتمرین کار گروهی برای دانشجویان در داخل دانشگاه تشکیل می شود. اعضای این تعاونی ها اکثریت دانشجو وکارکنان واساتید همان دانشگاه ودارای اساسنامه ، در محل دانشگاه و با تائید رئیس دانشگاه تشکیل می شوند. اهدافی چون آشنایی دانشجویان با کار گروهی ،کمک به توان اقتصادی دانشجو ،دارد وموضوع فعالیت آن کلیه خدمات موردنیاز دانشگاه ودانشجویان بوده وکلیه فعالیت ها در قالب عقد قرارداد فی مابین تعاونی ودانشگاه وبا رعایت ضوابط ومقررات مربوطه صورت می گیرد.

ب) تعاونی دانشجویی نوع دوم،به تعاونی هایی اطلاق می شود که به منظور متشکل کردن گروههای دانشجویی با هدف توانمند سازی ،کار آفرینی و اشتغال زایی دانشجویان در دانشگاه شکل می گیرند و فعالیت آنها بعد از فارغ التحصیل شدن اعضا نیز تداوم می یابد. تفاوت اعضای این نوع با نوع اول این است که علاوه بر اعضا ذکر شده در تعاونی های نوع اول اعضای فارغ التحصیلان نیز می توانند عضو تعاونی باشند.این تعاونی ها در تمامی موضوعات وگرایشهای تعاونی ودر حوزه سراسری می توانند فعالیت داشته باشند. در این تحقیق سعی بر آن است تا با توجه به امکانات و فرصت هایی که تاسیس تعاونی ها در اختیار دانشجویان قرار می دهند و با هدف توسعه فرهنگ تعاون ،شناسایی علایق وتمايلات واقعی دانشجویان ، تامین منابع مالی از طریق تشویق پس انداز تدریجی دانشجویان ،کاربردی کردن تحصیلات دانشگاهی دانشجویان ، سازماندهی گروههای همسان ، پشتیبانی دانشگاه جهت اخذ تسهیلات بانکی جهت تعاونی ها ،تدارک فرصت مشارکت و اثر بخشی بودن در فعالیت های اقتصادی وبالا بردن توان اقتصادی دانشجویان با توجه به تجربیات ومطالعات صورت گرفته در حوزه تعاون طرح پیشنهادی ارائه می گردد.

Archive



شکل ۱: طرح کارآفرینی از طریق توسعه تعاونی های اشتغالزای دانشجویی دانشگاهی

مجریان طرح: مراکز کارآفرینی دانشگاهی، واحدهای دانشگاهی دولتی و غیر دولتی

هماهنگ کننده طرح: وزارت تعاون در قالب یک تفاهم نامه مشترک با وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، بهداشت درمان آموزش پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی کلیات طرح را تدوین نموده و از طریق تدوین یک اساسنامه فراگیر، امکان

پی گیری کلیه امور مربوط به ثبت، آموزش و توانمند سازی و.. تعاونی ها را به واحد توسعه کار آفرینی و تعاون دانشگاهی تفویض نمایند. این واحد بر اساس مصوب وزارت تعاون اقدام به تاسیس تعاونی های تخصصی کسب و کار کرده و اهداف پیش بینی شده در این طرح را دنبال می نماید.

جمعیت هدف: مخاطبان این طرح کلیه دانشجویان، فارغ التحصیلان و اساتید می باشند.

سرمایه و منابع مالی در تعاونی های دانشجویی:

-تامین بخشی از آورده اولیه از محل پس انداز دانشجویان، سرمایه تعاونی های دانشجویی از محل آورده اعضا به میزان حق السهم اعضای تعاونی و طبق مصوبات اساسنامه در اینگونه تعاونی ها خواهد بود. در خصوص مباحث سرمایه در این تعاونی ها موارد زیر پیشنهاد می گردد.

-دانشگاهها یا مراکز کار آفرین می توانند حداکثر تا ۳۰ درصد از سهام شرکت های تعاونی دانشگاهی را به صورت نقدی و غیر نقدی سهم شونند.

-دانشگاهها یا مراکز کار آفرینی در صورت انجام حمایت های مادی و یا معنوی می توانند نماینده ای بعنوان ناظر در تعاونی ها داشته باشند.

-تسهیلات و اعتبارات تخصیصی از سایر دستگاهها از قبیل صندوق مهر رضا، صندوق تعاون، صندوق رفاه دانشجویان، بانک توسعه تعاون و...، اعتبارات تعاونی های اعتبار دانشجویی و یا واحد های توسعه کار آفرینی و تعاون دانشگاهی در دانشگاه، اعتبارات تبصره های بودجه، منابع داخلی صندوق ها و موسسات مالی و بانک ها، وثیقه طرح با هماهنگی بانک ها از محل منابع داخلی طرح ها خواهد بود و حداکثر به ازای تسهیلات تخصیصی به هر نفر اشتغال در تعاونی از تعاونی سفته اخذ خواهد شد.

الزامات اجرایی:

- تامین اعتبارات لازم و کم بهره و بدون وثیقه ملکی
 - تسهیل در شرایط تشکیل، ثبت و اخذ تسهیلات توسط این تعاونی ها
 - کانالیزه نمودن فرایند تشکیل و راه اندازی تعاونی ها
 - ارائه کمک ها و راهنمایی های لازم آموزش و مشاوره ای
 - ارائه آموزشهای مداوم رسمی و غیر رسمی به این گروه ها
 - برگزاری همایش های توجیهی در کلیه واحد های دانشگاهی به منظور آشنایی دانشجویان با اهداف طرح
 - رفع موانع و مشکلات در اخذ مجوزهای لازم حتی المقدور در محدوده کارهای کوچک
 - تامین بازار و بازار رسانی خدمات و تولیدات
 - حمایت از این تعاونی ها با ایجاد ارتباط موثر بین تعاونی ها و اتحادیه های تخصصی ذیربط
- مقدمات لازم برای تهیه و اجرای طرح؛ هر طرحی برای پیاده سازی نیاز به مقدماتی دارد که اجرای آنرا تسهیل نماید در این طرح مقدمات پیشنهادی لازم به شرح زیر است:

۱. انعقاد تفاهم نامه همکای های مشترک با سازمانهای مربوطه از قبیل وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری؛ دانشگاه آزاد اسلامی و...

۲. ایجاد زمینه های لازم و یک فرایند مناسب برای ارائه آموزش های عمومی و اختصاصی

۳. پیش بینی تمهیدات لازم به منظور واگذاری مدیریت، خدمات، امکانات و فعالیت های قابل واگذاری دانشگاهها

۴. فراهم نمودن زمینه جذب و جلب مشارکت سرمایه گزاران و کارآفرینان و اساتید و متخصصین در این تعاونی ها

۵. ایجاد زمینه مناسب به منظور فعالیت منحصر به فرد دانشجویان در برخی فعالیت ها بویژه در زمینه های IT, ICT و...

۶. طراحی واحدهای درسی کارآفرین و تعاون در تمامی رشته های دانشگاهی

سازمان اجرایی طرح؛ پس از تصویب و تایید چارچوب اولیه طرح، آیین نامه ها و دستور العمل های لازم در هر مورد از موضوعات مطروحه در طرح تهیه و در کمیته مرکزی تصویب و ابلاغ خواهد شد



شکل ۲: سازمان اجرایی طرح

نحوه فعالیت شرکت های تعاونی

نحوه فعالیت شرکت های تعاونی دانشگاهی طبق فلوجارت زیر (شکل ۳) صورت می گیرد. دانشجو پس از ورود به دانشگاه مراحل مختلف راسپری میکند تا در نهایت به شغل مورد نظر خود رسیده و دانشگاه نیز رسالت کارآفرینی خود را انجام می دهد.



شکل ۳: نحوه فعالیت شرکت های تعاونی دانشگاهی

در نهایت با اجرای این طرح می توان دانشجویان را در هنگام تحصیل با شغل مورد علاقه آشنا کرد، آموزش داد و فرد کار آموزه را به عنوان کار آفرین در جامعه معرفی کرد و پیوندی بین حوزه دانشگاه و صنعت برقرار نمود تا دیگر دانشجویان بعد از فراغت از تحصیل به دنبال کسب تجربه نباشند و در حین تحصیل تجربیات لازم را کسب و خود گرداننده صنعت کوچکی باشد.

1. Del Campo AA, Sparks A, Hill RC, Keller RT. *The transfer and commercialization of University-developed Medical Imaging Technology: opportunities and problems*. *IEEE Transactions on Engineering Management* (1999) 46(3):289–299.
2. Jacob M, Lundqvist M, Hellsmark H. *Entrepreneurial transformations in the Swedish university system: the case of Chalmers University of Technology*. *Research Policy* (2003) 32(9):1555–1568.
3. Henrekson M, Rosenberg N. *Designing efficient institutions for science-based entrepreneurship: lesson from the US and Sweden*. *Journal of Technology Transfer* (2001) 26(3):207–231.
4. Mowery DC, Nelson RR, Sampat BN, Ziedonis AA. *The growth of patenting and licensing by the U.S. universities: an assessment of the effects of the Bayh-Dole act of 1980*. *Research Policy* (2001) 30(1):99–119.
5. Mowery DC, Sampat BN. *Patenting and licensing university inventions: lessons from the history of the research corporation*. *Industrial and Corporate Change* (2001a) 10(2):317–355
6. Mowery DC, Sampat BN. *University patents and patent policy debates in the USA, 1925–1980*. *Industrial and Corporate Change* (2001b) 10(3):781–814.
7. Mowery DC, Sampat BN. *The Bayh-Dole act of 1980 and university-industry technology transfer: a model for other OECD governments?* *Journal of Technology Transfer* (2005) 30(1–2):115.
8. Mowery DC, Sampat BN, Ziedonis AA. *Learning to patent: institutional experience, learning, and the characteristics of U.S. university patents after the Bayh-Dole act, 1981–1992*. *Management Science* (2002) 48(1):73–89.
9. Mowery DC, Ziedonis AA. *Academic patent quality and quantity before and after the Bayh-Dole act in the United States*. *Research Policy* (2002) 31:399–418.
10. Mowery DC, Nelson RR, Sampat BN, Ziedonis AA. *Ivory Tower and Industrial Innovation. University-Industry Technology Transfer Before and After the Bayh-Dole Act* (2004) Palo Alto, CA: Stanford University Press. (*).
11. Rosenberg N, Nelson RR. *American universities and technical advance in industry*. *Research Policy* (1994) 23(3):323–348.
12. Siegel DS. *Quantitative, and qualitative studies of university technology transfer: synthesis and policy recommendations*. In: *Handbook of entrepreneurship policy—Audretsch D, Grilo I, Thurik R, eds.* (2006b) UK: Aldershot, Edgar Elgar Publishing. (forthcoming). (*).
13. Siegel DS. *Technology Entrepreneurship: Institutions and Agents Involved in University Technology Transfer*. (2006a) Vol. 1. London: Edgar Elgar. (*).
14. Siegel DS, Phan PH. *Analyzing the effectiveness of university technology transfer: implications for entrepreneurship education*. In: *Advances in the study of entrepreneurship, innovation, and economic growth—Liebcap G, ed.* (2005) Amsterdam: Elsevier Science/JAI Press. 1–38. (*).
15. Siegel DS, Waldman DA, Atwater LE, Link AN. *Commercial knowledge transfers from universities to firms: improving the effectiveness of university-industry collaboration*. *Journal of High Technology Management Research* (2003a) 14(1):111–133.

16. Siegel DS, Waldman DA, Atwater LE, Link AN. *Toward a model of the effective transfer of scientific knowledge from academicians to practitioners: qualitative evidence from the commercialization of university technologies.* *Journal of Engineering & Technology Management* (2004) 21(1/2):115–142.
17. Siegel DS, Waldman DA, Link AN. *Assessing the impact of organizational practices on the productivity of university technology transfer offices: an exploratory study.* *Research Policy* (2003b) 32(1):27–48.
18. Siegel DS, Westhead P, Wright M. *Assessing the impact of university science parks on research productivity: exploratory firm-level evidence from the United Kingdom.* *International Journal of Industrial Organization* (2003c) 21(9):1357–1369.
19. www.fekreno.org
20. www.icm.gov.ir

Archive of SID

Abstract

Given the educational and research facilities , plus export human resources ,higher education institutions can play significant role in resolving the unemployment problem particularity among the educated people. stepping towards entrepreneurship requires .expanding an entrepreneurial and culture cooperative support for practical research projects from government and developing growth centers .

Given the special importance of cooperative sector in Irans constitution and policies issued by supreme leader, cooperatives can benefit from special advantages. this research introduces a framework for developing university cooperatives in Irans in order to benefit from the special advantages, help university student to know their preferences ,and practicalize higher education.

Archive of SID